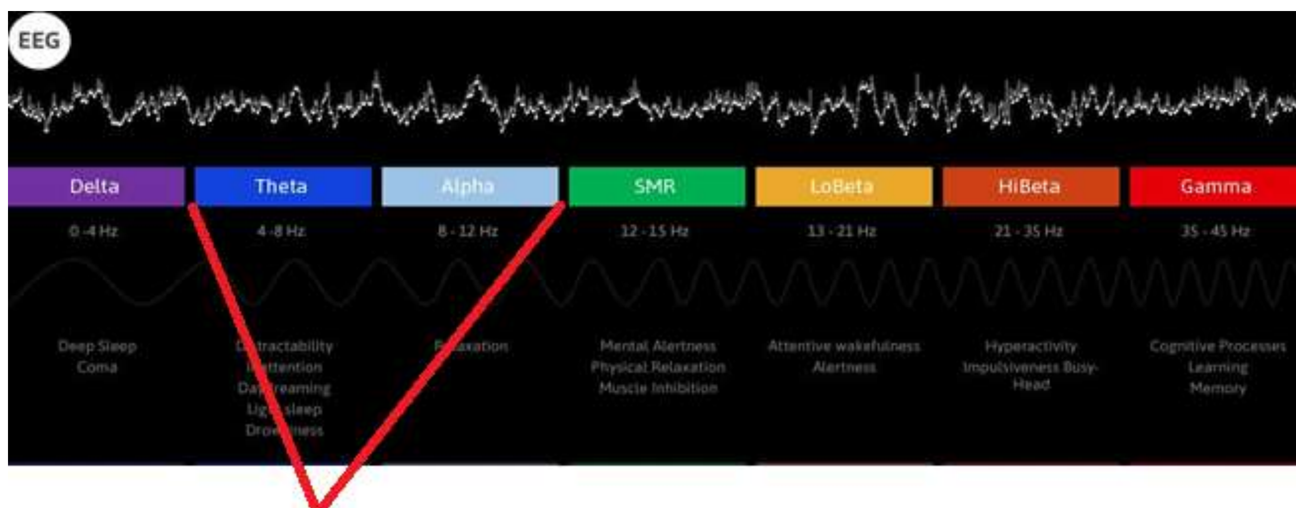
اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت چهل و سوم)

محدوده فریب شیاطین(بخش دوم)

در قسمت چهل و یکم ، محدوده فریب شیاطین مشخص شد. بخاطر اهمیت این موضوع بسیار مهم، ادامه آن مورد بررسی قرار می گیرد. در قسمت قبل، هفت مرحله از هوشیاری یک انسان را بررسی کردیم که طبق شکل زیر از سمت راست ، به ترتیب از بیداری کامل شروع شده و به خواب عمیق در سمت چپ منتهی میشود.



شیاطین در محدوده آلفا و تتا میتوانند انسانها را کنترل کنند

در شکل بالا، زیر هر کدام از مراحل، فرکانس مغزی مربوطه نوشته شده است. هر چقدر که ما از حالت هوشیاری به خواب نزدیکتر شویم، فرکانس مغزی ما کم شده و در نتیجه مغز ما هم سردتر میشود.

ذکر این نکته خیلی مهم است که شیاطین فقط در دو مرحله آلفا و تتا میتوانند انسان را تحت کنترل خویش در آورند. بنابراین تمام تلاش آنان این است که انسانها را وارد این مرحله کنند و بطور مداوم در این دو مرحله نگهدارند. به زبان دیگر شیاطین و اجنه سعی دارند که انسان را در این دو مرحله نگهدارند، زیرا که ماندن در آلفا و تتا به معنای آنلاین بودن انسانها برای شیاطین است. بیشتر خوابهای صادقه در مرحله دلتا صورت می گیرد. تتا یک نوع خواب سبک است که شیطان میتواند در این حالت در خوابها دخالت کند و رویاهای کاذب به افراد نمایش دهد. بنابراین خوابهایی که در تتا می بینیم، زیاد قابل اعتماد نیست و بیشتر ناشی از استرسها و مشغله

ها و اضطرابهای روزانه است. گاهی هم نیازهای بدن فیزیکی ما در خواب تتا بصورت خواب نمایش داده میشود که روانشناس مشهور فروید روی این قسمت از خواب متمرکز شده بود و خوابهای دلتا را در نظر نگرفته بود. بنابراین تحلیلهای فروید در مورد خواب دیدن، فقط از جنبه کالبدی صادق است و نمیتوان روی تحلیلهای او زیاد تکیه کرد. نکته مهم دیگری که در این مبحث باید توجه کنیم این است که شیطان بر بندگان مخلص خدا هیچ قدرتی ندارد. طبق آیات قرآن، خود شیطان اقرار میکند که بندگان مخلص خدا را نمیتواند اغوا و گمراه کند.

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾

[شیطان] گفت پس به عزت تو سوگند که همگی را جدا از راه به در می برم (۸۲)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾

مگر آن بندگان مخلص تو را (۸۳)

شیطان اقرار میکند که بر بندگان مخلص خدا قدرتی ندارد و البته این مورد نه به این خاطر است که شیطان به فکر ماست؛ بلکه تواناییش را ندارد. یعنی طبق آیه، رعایت دو شرط مهم، ما را از تیررس شیاطین دور نگه میدارد و در دسترس آنان نیستیم. این دو شرط در دو کلمه عباد و مخلصین نهفته است. کسی که این دو شرط را نگهدارد به معنای آن است که در آلفا و تتا

نمی ماند. این دو شرط باید هر دو با هم و همزمان در فرد باشند تا فرد از دست شیطان در امان باشد. یعنی بندگی خدا همراه با خالص بودن. بندگی است که خالص بودن را تضمین میکند و خالص بودن است که ادامه بندگی را تضمین میکند. مثلا کسی که خود را بنده خدا میداند، باید از لهو و لعب خود را دور نگهدارد. افرادی هستند که خود را دیندار میدانند ولی به محض مشاهده لهو و لعب، تا حدی زیر لفظی و پنهانی در نهاد خویش جذب آن میشوند و به این طریق خالص بودن خود را زیر سوال میبرند. ما ناخواسته وارد مراحل آلفا و تتا خواهیم شد ولی مهم این است که آگاهانه در آن دو مرحله نمانیم.خلوص یعنی اینکه کاری کنید در مرحله آلفا و تتا نمانید تا که در تیررس شیطان قرار نگیرید. یوسف دقیقا این دو شرط (عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ **) را با هم داشت که توانست از حیله های زنان مصر نجات یابد.**

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿٢٤﴾

و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او میکرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود (۲۴)

عبادت برای از بین بردن عادت است. در صورتیکه عبادت به یک عادت تبدیل شود، افراد وارد آلفا و تتا خواهند شد و خلوص خود را از دست میدهند. ما نباید بگذاریم که عبادات ما مخصوصا نماز به عادت تبدیل شود. بلکه نماز ما باید آگاهانه باشد و در خود آگاه ما انجام شود. کسانی هستند

که نماز بجا می آورند طوریکه بعد از اتمام نماز متوجه میشوند که نماز خوانده اند و این نوع نماز همان نماز در مستی است. لا تقربوا الصلوه و انتم سکاری

این آیه می فرماید که نزدیک نماز نشوید اگر در مستی، خماری، آلفا، تنبلی، و .. هستید. به زبان دیگر خدای مهربان می فرماید که نماز را به عادت تبدیل نکنید.

إِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾

و [مشرکان] به تاکید می گفتند (١٦٧)

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾

اگر پند [نامه ا]ی از پیشینیان نزد ما بود (١٦٨)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾

قطعا از بندگان خالص خدا می شدیم (١٦٩)

طبق آیه بالایی ، بهانه مشرکان این خواهد بود که اگر راهنمایی هایی مثل راهنماییهای گذشتگان می داشتیم، جزو بندگان خالص خدا می شدیم. هر چند این حرف مشرکین فقط یک بهانه است ولی اصل کلام صحیح است. زیرا آنان خود را پیرو پیامبر ابراهیم می نامیدند و چه کسی یکتاپرست تر از ابراهیم برای پیروی. اما این که مشرکین گره مشکلات خویش را در دو کلمه عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ **خلاصه کردند، قابل تامل است. وقتی ما گهگاهی**

تحت زینتهای دنیایی قرار می گیریم و دنیا را باور میکنیم یعنی آگاهانه در آلفا و تتا مانده ایم و این یعنی عدم اخلاص. بعضی مواقع هم افراد خود را بی نیاز از انجام عبادات میدانند و حتی عبادت مهمی مثل نماز را وقت گیر و دست و پا گیر میدانند. به این طریق نقض هر کدام از این دو شرط، اتوماتیک دیگری را نقض میکند.

مرحله گاما ، مهمترین مرحله این نمودار است که به معنای تلاش و کوشش و جهاد در راه خداست. کسانی که در امور دینی تلقید میکنند، هیچوقت وارد این مرحله نخواهند شد. بنابراین مقلدین دینی هیچ وقت به یقین نخواهند رسید و هیچ وقت هم هدایت نخواهند شد ، مگر اینکه خودشان در این راه تلاش و کوشش و جهاد کنند.

پیشرفت خارجی ها بخاطر تلاش و کوششان است و نه بخاطر دینشان. بعضی از کشورهای خارجی که در علوم مختلف پیشرفت میکنند، بخاطر حقانیت دین آبا و اجدادیشان نیست؛ بلکه بخاطر تلاش و کوششان است . آنان بدون اینکه از دین اسلام چیزی بدانند، در راه علم و دانش تلاش و کوشش و جهاد میکنند و پیشرفتشان به این دلیل است.

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾

و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست (٣٩)

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ﴿۴۰﴾
و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد (۴۰)

شیطان خیلی زیرکانه، مراحل تلاش و کوشش و بیداری و خواب را در همان محدوده آلفا و تتا تعریف میکند و به این طریق افراد در حالیکه در آلفایند، فکر میکنند دارند در راه خدا تلاش و کوشش میکنند. بیشتر صوفیان و شعراء در همین نقطه فریب خوردند و گرفتار شیطان شدند. مثلا در یوگا افراد در آلفا فرو میروند و بعد پیش خود فکر میکنند در حال مکاشفه و دیدار با معبود هستند! در حالیکه در آن محدوده ، چیزی جز ایده های شیطان و غفلت وجود ندارد. بنابراین شیطان جهاد را برای آنها بصورت کشف و مکاشفه و مدیتیشن و ... معرفی میکند. افراد طرفدار این حالات اینطوری مکاشفه را تعریف میکنند.

(((مکاشفه عبارت است از سیرکردن روح، به مطالعه در امور غیبی و به عبارت دیگر مکاشفه ظهور شیء است برای قلب به جهت غلبه ذکر یا حصول امر عقلی است که به الهام و بدون فکر در حال بین خواب و بیداری، برای انسان رخ می‌دهد.)))

در تعریف بالا چند کلمه به چشم میخورد که بسیار مهم هستند و ماهیت این حالات را مشخص میکند: بدون فکر در حال بین خواب و بیداری. بدون

فکر در حالت بین خواب و بیداری یعنی معلق ماندن در حالات آلفا و تتا. متاسفانه شیطان بطرز باورنکردنی ای و فوق العاده ای افراد را فریب داده است و میدهد، طوریکه با کلماتی همچون مکاشفه و آرامش و عرفان و الهام و... افراد را سرکار میگذارد و آنان را در حالت آلفا نگه میدارد و به این طریق خلوصیت افراد را می گیرد. در حالیکه خدا میفرماید که هدایت در گرو تلاش و کوشش و جهاد است و لا غیر. جهاد همان گاماست یعنی بیداری کامل و کار و تلاش و کوشش و جهاد در راه خدا.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۶۹﴾

و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راه های خود را بر آنان می نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است (۶۹)

بنابراین برخلاف صوفی ها و یوگی ها و عرفانی ها و مقلدین و سایر مکاتب بشری، که هدایت را در آلفا و خلسه و توقف فکر و تقلید میدانند؛ خدا هدایت را در تلاش و کوشش و جهاد میداند.

اقامه کردن نماز، افراد را از آلفا خارج میسازد و به حالت بیداری و تلاش و کوشش می برد. به این طریق افراد را از آلفا دور میسازد. افرادی که در حالتهای تلاش و کوشش و جهاد باشند، خوابشان هم در دلتا خواهد بود و

در نتیجه از دست شیطان در امان خواهند بود. به همین خاطر خدا می فرماید نماز از فحشاء و منکر جلوگیری میکند. همین نکته خودش ثابت میکند که محیطهای آلفا و تتا مملو است از فحشاء و منکرات.

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۵﴾

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعا یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید (۴۵)

اشعار در این دوحالت سروده میشوند. اگر شعری در حالت تتا توسط شیطان بر شاعر الهام شود، شاعر فکر میکند که شعر از عالم غیب بر او الهام شده است و به این طریق فریب میخورد. شما در اشعار هر گونه منکر و فحشایی را خواهید خواند. بعضی از شعراء، پرده حیا را دریده اند و هر سخنی را در قابل شعر بر زبان میرانند و رانده اند. خیلی از فیلمها، خیانت کردن را در قالب آهنگهای زیبا و کلمات زیبا، عادی سازی میکنند. بیشتر آهنگها یک نوع طلسم هستند ولی مردم متاسفانه نمیدانند. جادو همین جور چیزهاست که به اشتباه معنای جادو را به درستی برای ما بیان نکرده اند. در تمام قسمتهای مجموعه مقالات جادوی شیاطین هدف این بود که اهمیت

نماز و روزه و زکات گفته شود. از اولش هم هدف این بود که ثابت شود بدون نماز و روزه و زکات نمیتوان از دست شیطان نجات پیدا کرد.

جوانانی هستند که بیشتر وقتشان را آهنگ گوش میدهند، حتی در حین کار. آنها با این کار سطح بیداری خویش را تا حد ممکن پایین می آورند. من نمی گویم که تمام آهنگها نامناسب هستند ولی آدمی باید با خودش رو راست باشد و طرف خودش را مشخص کند. کسی که طرف خودش را مشخص نکند به آن معناست که نمیخواهد خالص باشد. خلوصیت دقیقا به این معناست.

کلمات به هم ریخته "آمد باران مرد در" را در نظر بگیرید. مغز ما اتوماتیک بسته به شرایط موجود، به محض شنیدن این کلمات به هم ریخته، با کلمات بالا جمله ای را درست میکند و اینطوری به خود خواهد فهماند که منظور چیه. اما وقتی انسانها بوسیله شعر و آهنگ و سایر ابزارها وارد خلسه (آلفا) میشوند. در آن صورت معانی دیگری از جمله بالا به ذهن خطور میکند. در بعضی فرهنگها، بعضی کلمات دو پهلو بیان میشود که یک وجه آن نامناسب است. مغزهای خمار پهلوی نامناسب را عادی سازی میکنند. یکی از نشانه های آلفارفتگی یک جامعه همین است. خلوصیت افراد از بین رفته است.

فرکانسهای مغزی متفاوت، دید متفاوتی از کلمات به هم ریخته بوجود میاورند. این دقیقا یک نوع طلسم است. طلسمی که معانی را برای کلمات عوض میکند. حتی معانی قضاوت کردن در مورد حوادث در آلفا اشتباه است. در آلفا قضاوتها سریع خواهد بود. موسیقی راک و فیلمهای با موضوع Love و عشق بیشترش خیالی و توهمی است و هیچوقت واقعیت ندارد. اینها فقط در آلفا اتفاق می افتد. افراد در آلفا، خودبخود دیدشان نسبت به زندگی عوض خواهد شد و زینتهای زمینی را جدی میگیرند.

مثلا جمله "دنیا فانی و چند روز است؛ پس باید در این دنیا نهایت لذت را ببریم"؛ در آلفا یک جمله صحیح و منطقی است و بسیار جدی گرفته میشود. اما در بیداری و گاما؛ این جمله فقط قسمت اول آن صحیح و قسمت دوم جمله نتیجه نادرست است از قضایا. به این طریق جملات و کلام، بسته به فرکانسهای مغزی، بطرز متفاوتی تعبیر خواهند شد.

نهایت تلاش و کوشش این است که آنقدر خدا را عبادت کنیم تا به مرحله طمانینه و یقین برسیم و این فقط در حالا گاما و بتا صورت میگیرد. یعنی با تلاش و کوشش و جهاد در راه خدا میتوان به آن دست یافت. زیرا عبادت باید همراه با تلاش و کوشش باشد و گرنه یک عادت است و نه عبادت.

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿۹۹﴾
و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد (۹۹)

باید در ماه رمضان، تلاش و کوشش کنید تا به آن نتیجه ای که خدا از روزه رمضان انتظار دارد برسید. خدا خیر ما را میخواهد که نماز و روزه و زکات را بر ما نوشته است و آن را یک فرض عینی قرار داده است. (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا**) (**كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ**). خدا خالق ماست و بهتر از هرکسی سرنوشت ما را میداند و میداند که بدون نماز و روزه نمیتوان نفس را رشد داد. وقتی ابراهیم به درگاه خدا دعا کرد، برای مال دنیا یا درخواست تندرستی نبود؛ هدیه ای که او درخواست کرد این بود:**

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿۴۰﴾
پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر (۴۰)

تکالیف دین که خدا آنها را مقرر کرده است در واقع هدیه ای بزرگ از جانب خداست . آنها غذای نفس ما هستند و ما برای بزرگ کردن نفسمان بدانها نیاز داریم. اگر نفس ما رشد نکند، این توانایی را نخواهیم داشت که روز داوری در برابر انرژی بیکران خدا تاب آوریم. ایمان داشتن به خدا، برای آمرزش کافی نیست؛ بلکه باید نفس خود را نیز تقویت کنیم.

بعلاوه، آیه وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ **می گوید که تکالیفی که خدا ما را به انجام آن فرمان داده ، وسیله ای است که به کمک آنها می توانیم به یقین برسیم. برای آنکه بتوانی یقین پیدا کنی، پروردگارت را عبادت کن.**

نمازهای پنجگانه، غذای اصلی نفس است. گرچه ممکن است که کسی بی آنکه نماز بخواند، بتواند با کارهای درستی که انجام می دهد تا اندازه ای رشد کند و بر وسعت نفس خود بیفزاید، ولی این مانند آن است که کسی فقط با تنقلات خود را زنده نگاه دارد، و هرگز یک غذای درست و حسابی و مفید نخورد. برای هر نماز، از زمانی که ساعتش رسیده باشد تا فرا رسیدن وقت نماز بعدی فرصت هست . اگر نماز را در زمان تعیین شده بجا نیاورید، فرصتی است که از دست رفته و قابل جبران نیست. یعنی نماز قضا پذیرفته نیست؛ اگر نمازی از دست برود، تنها کاری که می توانیم بکنیم این است که توبه کنیم و از خدا طلب بخشایش کنیم و سعی کنیم که دیگر از دستش ندهیم.

بجا آوردن نماز صبح مانع از آن می شود که بدن برای یک مدت طولانی همچنان بی حرکت در خواب باشد؛ امروزه ثابت شده است که حرکت، از ورم مفاصل جلوگیری می کند. در ضمن، سحر خیزی برای غلبه کردن بر افسردگی و دیگر مشکلات روانی بسیار سودمند است . حرکت سجود که چندین بار در نماز تکرار می شود، باعث می شود که خون بیشتری به مغز

برسد، و همین از سردرد جلوگیری می کند. وقتی هنگام رکوع خم می شویم، این حرکت برای مفاصل و ستون فقرات ورزشی سودمند است. تمام اینها از نظر علمی ثابت شده است . وضو که لازمه ی نماز است ما را بر آن می دارد که بیشتر به دستشویی برویم . این عادت ما را از ابتلا به سرطان رایج و کشنده روده حفظ می کند. در ادرار و مدفوع مواد زیانبار شیمیایی وجود دارد. اگر این مواد برای زمان زیاد در روده بمانند، دوباره جذب بدن می شوند و باعث سرطان می شوند. روزه در ماه رمضان باعث می شود که معده های ما که در طول سال باز شده اند، جمع شوند و بحالت طبیعی برگردند، کم آبی موقت باعث می شود فشار خون پایین آید، و کلیه ها بیشتر استراحت کنند، در ضمن روزه باعث می شود که سموم بدن دفع شود، و چربی های اضافی و زیانبار آب شوند و از وزن ما کاسته شود . اینها چند نمونه از فواید عبادات است که گفته شد. اگر بخواهیم این فواید را ریزتر بررسی کنیم؛ نیاز به یک مقاله مفصل در این زمینه است.

در فضای آلفا و تتا؛ صبر معنا ندارد. هر مشکلی پیش آید؛ افراد فورا با پرخاشگری و تهمت و صفات رذیله دیگر سعی در حل آن دارند. در حالیکه کارهایی که در آلفا انجام می پذیرد، حلال هیچ مشکلی نیست. نشانه های کسانیکه در آلفایند این است که نمازها را بجا نمی آورند و وقتی برای انجام آن ندارند.

یک مطلبی است به اسم جن گیری (exorcize). در زمان قدیم، افرادی که از نظر اخلاقی از حالت نرمال خارج می شدند، را جن زده معرفی میکردند و سعی می کردند جن را از بدن او خارج کنند و پلیدی را از او بیرون کنند. اما واقعیت این است که اکنون روش نفوذ اجنه و شیاطین به بدن انسانها عوض شده است. در زمانه ما از طریق بردن انسانها و نگهداری آنان در آلفا و تتا؛ اجنه و شیاطین به درون انسانها نفوذ میکنند و آنان را کنترل میکنند. روشها عوض شده است و در نتیجه راه حلها هم باید عوض شود. متاسفانه انسانها کم یا زیاد، توسط اجنه و شیاطین کنترل میشوند. تنها راه حل بیرون راندن پلیدی ها و اجنه از وجود خودتان، باید از آلفا و تتا بیرون آیید و اجنه و شیاطین را از وجود خویش دور سازید. شما نباید در مقابل این مشکل، چشمهای خود را ببندید. یک بچه از یک چیزی می ترسد، سعی می کند چشمان خود را ببندد تا ترسش بریزد. انسانها هم در مقابل خطرات واقعی مثل نفوذ اجنه به بدنشان، جدی نمی گیرند و مثل بچه در مقابل ترس رفتار می کنند. افرادی هستند که بیشتر مواقع سرشان توی گوشی است و بیشتر این کنکاشها بخاطر لذتگرایی است. انسانها در محاصره مغناطیس شیاطین قرار گرفته اند و به همین خاطر خدا از نجات انسانها صحبت میکند. در واقع خدا می خواهد ما را از این حالت نجات دهد.

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿۶۴﴾

بگو خداست كه شما را از آن [تاريكيها] و از هر اندوهى مى رهاند باز شما شرك مى ورزيد (۶۴)

داستایوفسکی نویسنده معروف روسی؛ یک کتاب دارد به اسم جن زدگان؛ او در این کتاب؛ روءسا و عوامل پدید آورنده وضعیت اجتماعی آشفته آن دوران را جن زده معرفی میکند. هر چند این کتاب فقط یک داستان است ولی حرف اصلیش صحیح است. جامعه بیمار، یک جامعه جن زده است. بیشتر مردم جنها را موجوداتی وحشتناک معرفی میکنند که هر از چند گاهی دیده میشوند و مردم را می ترسانند؛ غافل از آنکه اجنه همیشه و ثانیه به ثانیه با ما هستند و از هرفرصتی برای انحراف انسان استفاده میکنند. هر گناهی که ما مرتکب میشویم، نشان از تسلط و نزدیکی شیاطین بر ما دارد. ترس واقعی از شیاطین را باید در انجام گناهان جستجو کرد و نه ترس از شیاطین در تاریکی شبها. اتفاقا تاریکی شب نوعی آرامش است برای انسانها. چیزی که خوفناک است، لحظات گرگ و میش (حالات ورود به آلفا بوسیله خیالات،، آهنگها، اشعار، توهمات و ...) است که شیطان در آن لحظات بر نفس انسانها تسلط پیدا میکند. این حالات در سوره فلق مشخص شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خدای رحمتگر مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾
بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾
از شر آنچه آفریده (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾
و از شر تاریکی چون فراگیرد (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾
و از شر دمندگان افسون در گره ها (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾
و از شر [هر] حسود آنگاه که حسد ورزد (۵)

ما باید برای خود مشخص کنیم که در زندگی خویش از چی محافظت می کنیم. بیشتر آدمیان از تصویری که از خودشان در ذهن خودشان ساخته اند، دفاع میکنند و این فقط در آلفا اتفاق می افتد. هر کسی در زندگی خویش از چیزی محافظت میکند. یکی هست که از تصویری که از خودش ساخته است، محافظت میکند و یکی دیگر از موقعیت خودش محافظت میکند. بعضی ها هم که در ورزش و تفریح افراط میکنند، از قیافه خویش

محافظت میکنند. ولی افراد مومن از نمازشان و از فروجشان (اعضاء تناسلی) محافظت میکنند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۵﴾
و کسانی که پاکدامنند (۵)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۶﴾
مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست (۶)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۹﴾
و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند (۹)

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿۱۰﴾
آنانند که خود وارثانند (۱۰)

خالص بودن و همزمان بنده خدا بودن؛ تنها راه فهمیدن معنای وقایع جهان است. مثلا کسی که در آلفاست و در انواع لذتها غرق شده است؛ نمیداند که چرا کرونا پیش آمد؛ نمیداند چرا زلزله آمد؛ نمیداند چرا گرانی پیش میاید؛ نمیداند چرا مشکلات برای مردم پیش میاید و ... زیرا آنها نمیخواهند از خواب بیدار شوند. به همین خاطر وقتی گفته شود که مشکلات اینچنینی، نتیجه کارهای خودمان است؛ تعجب میکنند.

بعضی ها نماز را با مدیتیشن و یوگا شبیه میدانند. ولی من میگویم که نه تنها شبیه نیستند، بلکه ضد همدیگر هستند. نماز میخواهد ما را از آلفا و تتا خارج کند و به مراحل بتا و گاما ببرد. اما یوگا و مدیتیشن عملا آدمی را به آلفا و تتا می برند. نماز مهمترین فریضه ای است که خدا دستور به انجام آن داده است. کسی که فرصتی برای انجام نماز ندارد؛ یعنی دارد مسیر را اشتباهی و برعکس میرود ولی خودش خبر ندارد.